

مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام

از دیدگاه محدثان غیر امامیه در سه قرن نخست اسلامی

حسین منافی *

عزالدین رضائزاد **

چکیده

مرجعیت علمی که تبیین و تفسیر آیات مبهم و متشابه قرآن کریم و بیان معارف و احکامی است که به روشنی و آشکارا در مصحف شریف نیامده است (تا از هرگونه برداشت نادرست و نزاع علمی در میان مسلمانان پیشگیری کند)، یکی از شئون و وظایف رسول خدا صلی الله علیه و آله است که پس از ایشان، به اهل بیت علیهم السلام واگذار شده است و همه مسلمانان در این مسئله هم‌داستان‌اند؛ برخلاف حاکمیت سیاسی که شیعه و سنی در آن اختلاف دارند.

ما در نوشتار پیش‌رو بر آنیم که این مسئله را با توجه به احادیث و سخنان محدثان سه قرن نخست اسلامی، اعم از صحابه، تابعان و شاگردان تابعان، با توجه به اهمیت دیدگاه آنها در میان مسلمانان، به‌ویژه اهل سنت، اثبات کنیم.

باین حال، نقل حدیث از امامان معصوم علیهم السلام و شاگردی در مکتب آنها و تمسک به سیره آن بزرگواران در استنباط احکام دینی، خود گواه و دلیل دیگری در پذیرش مرجعیت علمی آنها است که در این نوشتار بدان هم خواهیم پرداخت. هرچند بیشتر سخنان صحابه درباره برتری و جایگاه علمی امام علی علیه السلام است ولی بیان احادیثی همچون حدیث ثقلین و تصریح برخی از تابعان به مقام علمی و مرجعیت امامان دیگر، بر جایگاه علمی آن بزرگواران در نزد آنها دلالت دارد.

افزون‌براین، کوشیده‌ایم تا از منابع غیر امامیه در سه قرن نخست اسلامی، روایت‌ها و آثار منقول در زمینه مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام آورده شود که نتیجه آن، پذیرش موضوع از سوی صحابه و محدثان غیر امامیه‌ای است که دیدگاه آنها از سوی اهل سنت پذیرفته شده است.

کلیدواژه‌ها

اهل بیت علیهم السلام، امام علی علیه السلام، محدثان، مرجعیت علمی.

Email: manafhosein@gmail.com

Email: rezanejad39@yahoo.com

*. دانشجوی سطح چهار مؤسسه بین‌المللی مطالعات اسلامی حوزه علمیه قم.

** دانشیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۱/۲۳.

مقدمه

مرجعیت علمی، بیان و تبیین حقایق قرآن کریم و سنت نبوی است؛ به گونه‌ای که جلوی هرگونه برداشت نادرست و کشمکش علمی در میان مسلمانان گرفته شود (تسخیری، ۱۴۳۱، ص ۱۴).

رسول خدا ﷺ فرمود: «خَيْرُ النَّاسِ قَرْنِي ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ» (ترمذی، ۱۳۵۹، ج ۴، ص ۴۳۳)؛ بهترین مردم، مردم روزگار من هستند (صحابه)؛ سپس مردمی که پس از آنها خواهند آمد (تابعان) و آنگاه مردمی که در پی آنها می‌آیند (تابعان تابعان). به استناد این سخن مراجعه به گفته‌ها و سیره محدثان در سه قرن نخست اسلامی که دیدگاه آنها به‌باور اهل سنت و سلفی‌ها معتبر و حجت است، نشان می‌دهد که غیر از محدثان امامیه که مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام نزد آنها مسلم بوده، بزرگان از صحابه و محدثان قرن دوم و سوم نیز به مرجعیت علمی آن بزرگواران باور داشته‌اند.

از این رو، اثبات این مسئله با توجه به سیره و سخنان آنها در تمسک به اهل بیت علیهم‌السلام، بهترین راه حل برای وحدت بخشی میان فرقه‌ها و مذاهب گوناگون اسلامی است. باین حال، اثبات کننده یکی از شئون و فضایل مهم و اصلی اهل بیت علیهم‌السلام از زبان سلفی‌ها است که بیشتر مذاهب اسلامی به خاطر نزدیکی آنها به روزگار رسول اکرم ﷺ در برابر رأی و نظر آنها، سر تسلیم فرود می‌آورند. بنابراین در مقاله پیش‌رو، برخلاف دیدگاه بیشتر عالمان اهل سنت که صحابه را مراجع علمی نبی مکرم اسلام ﷺ می‌دانند، روشن خواهد شد که خود صحابه، «امیرالمومنین علی» را مرجع علمی خود قرار داده بودند و آرای دینی ایشان را در موضوع‌های گوناگون حجت و معتبر می‌دانستند؛ باین حال بزرگان و رهبران مذاهب اسلامی و محدثان این سه قرن در نمونه‌های بسیاری، به أعلم بودن و مرجعیت علمی سایر اهل بیت علیهم‌السلام زبان گشوده‌اند.

در موضوع مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام، کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هایی چند نوشته شده است؛ از جمله کتاب «مرجعیة القرآن و اهل البیت من منظور حدیث الثقلین» به قلم دکتر سید راضی الحسینی، کتاب «مرجعیت علمی امامان» به قلم آیت الله تسخیری و کتاب «مرجعیت

دینی» نوشته جناب رضوانی؛ اما مقاله یا کتابی که این مسئله را از دیدگاه محدثان سه قرن نخست بررسی کرده باشد، به دست نیامد؛ مگر پژوهشی با عنوان «دانشمندان اسلامی و مرجعیت اهل بیت علیهم السلام به قلم دکتر بی آزار شیرازی که در شماره ۱۸۴ مجله «کیهان فرهنگی» به چاپ رسیده و موضوع کلی تری نسبت به دیدگاه محدثان سه قرن نخست اسلامی است. بنابراین مقاله پیش‌رو، از این نظر که به اثبات مرجعیت اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه محدثان سه قرن نخست پرداخته و آرا و دیدگاه آنها را در این موضوع گرد آورده و نمایان ساخته، اثری درخور درنگ است.

گفتار اول - دیدگاه محدثان از صحابه و تابعان

۱. عمر و مرجعیت علمی امام علی علیه السلام

عمر در روزگار خلافت خود در شبهه‌های علمی و فهم پرسش‌های دشوار به امیر مؤمنان علیه السلام مراجعه می‌کرد و یا دیگران را به آن حضرت ارجاع می‌داد؛ و هرگاه تصمیم یا حکم نادرستی از او سر می‌زد، با تذکر و نظر امام، رأی حضرت را می‌پذیرفت و ایشان را می‌ستود.

اکنون نمونه‌هایی از پذیرش مرجعیت علمی حضرت امیر علیه السلام توسط عمر را بیان می‌کنیم:

۱. از عمر بن خطاب نقل شده است که می‌گفت: «لولا علی لهلك عمر؛ اگر علی نبود عمر هلاک می‌شد» (ابن جوزی، ۱۴۲۷، ص ۱۹۸؛ شرقاوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۷-۱۰۹؛ طبری، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۴۱). گفتنی است که این سخن را عمر در مواقع مختلف که با رأی امیر مؤمنان، حکم درست بر او آشکار شده، بر زبان رانده است.

۲. بارها شنیده شد که عمر می‌گفت: «أعوذ بالله من معضلة لیس لها ابوالحسن؛ به خدا پناه می‌برم از پیش آمدن مشکلی که ابوالحسن برای حل آن نباشد» (شیرازی شافعی، بی‌تا، ص ۲۳؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۲۳۳؛ ذهبی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۲۸؛ ابن جوزی، ۱۴۲۷، ص ۱۹۳؛ قاری، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۳۹۴۰).

۳. عمر می گفت: «خدایا مرا در مشکلی قرار نده، مگر اینکه ابوالحسن در کنارم باشد» (شرفاوی، بی تا، ج ۱، ص ۱۱۱؛ طبری، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۴۲؛ ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۲، ص ۳۱؛ زینی دحلان، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۴۵۳).

۴. حسن بصری نقل می کند: «عمر با اصحاب رسول خدا ﷺ درباره موضوعی مشورت می کرد. علی علیه السلام نیز در میان آنها بود. عمر بن خطاب به آن حضرت گفت: تو هم نظرت را بگو؛ چون تو أعلم و أفضل آنها (صحابه) هستی (شیرازی شافعی، بی تا، ص ۲۳).

۵. معاویه مکرر می گفت: «زمانی که مسئله ای برای عمر دشوار می شد، پاسخ آن را از علی علیه السلام می پرسید» (طبری، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۴۳؛ ابن عساکر، ۱۴۱۷، ج ۴۲، ص ۱۷۰؛ طبری، ۱۳۵۶، ص ۷۹).

۶. عبدالرحمان بن اذینه غنوی از پدرش اذینه بن مسلمه نقل می کند که گفت: «نزد عمر رفتم و از او پرسیدم: از کجا (اعمال) عمره را آغاز کنم؟ گفت: از علی پیرس... و نقل شده است که عمر گفت: غیر آنچه را که علی بگوید درست نمی دانم» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۱۰۳؛ طبری، ۱۳۵۶، ص ۷۹).

سخنان عمر آن هم با الفاظ گوناگون و روش او در مراجعه به حضرت علی علیه السلام و عمل به سخنان حضرت و پذیرش آن و سخن صریح او درباره أعلم بودن ایشان در میان صحابه رسول خدا ﷺ، نشان می دهد که عمر پس از پیامبر ﷺ، مرجعیت علمی و أعلم بودن امام علی علیه السلام را پذیرفته بود.

۲. عایشه همسر پیامبر ﷺ

عایشه همسر رسول خدا ﷺ، در مواردی که در پاسخ پرسشی درمی ماند، پرسش کننده را به امیرمؤمنان ارجاع می داد، و به برتری علمی آن حضرت اعتراف داشت که به چند نمونه اشاره می شود:

۱. عالم ترین افراد به سنت نبوی ﷺ: عایشه مکرر می گفت: «علی اعلم الناس بالسنة؛ علی داناترین مردم به سنت رسول خدا است» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۰۶؛ شیرازی شافعی، بی تا، ص ۲۳؛ طبری، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۴۱؛ همو، ۱۳۵۶، ص ۷۸).^۱

۲. آگاه‌ترین افراد به مسائل دینی: «هنگامی که از عایشه در مورد جواز مسح پا از روی کفش سؤال شد، در پاسخ پرسش‌کننده گفت: برو از علی بن ابی طالب پرس؛ چراکه او به پاسخ این پرسش‌ها آگاه‌تر است و با رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار به مسافرت می‌رفت» (طبری، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۴۳؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۰۶ و ۲۰۸؛ ابن حنبل، ۱۴۲۵، ص ۱۸۲، ح ۲۸۲).

۳. انس بن مالک

انس بن مالک از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله است که سال‌ها خادم خانه حضرت بود. او در باب مقام علمی و جایگاه بلند امام علی علیه السلام در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله مطالبی نقل کرده است، از جمله:

۱. علی نظیر پیامبر صلی الله علیه و آله در میان امت اسلام: موفق بن احمد از انس نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَا مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا وَ لَهُ نَظِيرٌ مِنْ أُمَّتِهِ وَ فِي أُمَّتِي عَلِيٌّ نَظِيرِي؛ هر پیامبری نظیر و همانندی در امت خود داشت و نظیر من در امتم، علی است» (طبری، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۶۴).

سخن بالا، مطلق است و علم آن حضرت را نیز دربر می‌گیرد و در نتیجه، پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام از نظر علمی، همانند و جانشین اوست.

۲. معلم پس از پیامبر صلی الله علیه و آله: انس می‌گوید: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد: عَمَّنْ نَكْتُبُ الْعِلْمَ بَعْدَكَ؟ قَالَ عَنِ عَلِيٍّ وَ سَلْمَانَ؛ ای رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از تو، علم را از چه کسی بنویسیم (پیاموزیم)؟ فرمود: از علی و سلمان» (خطیب بغدادی، بی تا، ج ۴، ص ۱۵۸؛ ذهبی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۶؛ سهمی، ۱۳۸۷، ص ۲۹).

این سخنان به روشنی بر مرجعیت علمی امام علی علیه السلام پس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دلالت دارند.

۴. سلمان فارسی

۱. داناترین امت: سلمان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «أَعْلَمُ امْتِي مَنْ بَعْدِي عَلِيٌّ بِنِ ابِي طَالِبٍ؛ داناترین فرد امتم بعد از من، علی بن ابی طالب است» (گنجی شافعی، ۱۴۰۴، ص ۳۳۲؛ شوشتی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۳۱۸).

۲. خلیفه پیامبر ﷺ: ابوسعید خدری از سلمان فارسی نقل می‌کند که: «از رسول خدا ﷺ پرسیدم، هر پیامبری جانشینی دارد، جانشین شما کیست؟ فرمود: آیا می‌دانی جانشین موسی چه کسی بود؟ گفتم: بله! یوشع بن نون. فرمود: چرا؟ گفتم: چون داناترین فرد روزگار خود بود. حضرت فرمود: جانشین من و محل اسرارم و بهترین کسی که بعد از من می‌ماند، در حالی که به وعده‌ام عمل کرده و قرض مرا ادا می‌کند، علی بن ابی طالب است» (طبرانی، ۱۴۳۱، ج ۶، ص ۲۲۱؛ گنجی شافعی، ۱۴۰۴، ص ۲۹۲-۲۹۳).

۵. ابوذر غفاری

ابوذر خطبه‌ای در مسجدالنبی خوانده است که در بخشی از آن می‌فرماید:

علی بن ابی طالب، وصی و وارث علم محمد ﷺ است. ای امت سرگردان! چرا کسی را که خداوند پس از پیامبرش، او را مقدم داشته بود، جلو نینداختید و کسی را که آخر قرار داده بود، آخر قرار ندادید و به ولایت و وراثت اهل بیت پیامبران اقرار نکردید؟! در حالی که اگر چنین می‌کردید نعمت‌های الهی از بالای سر و زیر گام‌هایتان بر شما سرازیر می‌شد، به ولی الهی ستم نمی‌رفت، واجبات الهی از مسیر خود خارج نمی‌شد، و دو نفر در حکمی اختلاف نمی‌کردند، مگر اینکه علم آن را در کتاب خدا و سنت پیامبرش می‌یافتند. پس حال که هر کار می‌خواستید کردید، آثار و پیامدهای سوء کارتان را بچشید (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۱۷۱).^۲

در بیان بالا، جناب ابوذر، دلیل سرگردانی امت و انحراف در احکام اسلام را پیروی نکردن مسلمانان از اهل بیت ﷺ می‌داند. ایشان امام علی و اهل بیت ﷺ را به عنوان وارثان علم رسول خدا ﷺ معرفی می‌کند.

۶. عدی بن حاتم

عدی از اصحاب رسول خدا ﷺ است (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۰۵۷؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۵۰۵؛ ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۸۸) که درباره شخصیت برجسته امام علی ﷺ می‌گوید: «سوگند به خدا! همانا علی داناترین مردم به کتاب الهی و سنت رسول خدا ﷺ

است. او خردمندترین و بزرگ‌منش‌ترین مردم است» (صفوت، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۲؛ امینی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۱۴۵).

این سخنان، به روشنی بر آگاهی و برتری علمی امیر مؤمنان علیه السلام در مقایسه با سایر صحابه، نسبت به قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله دلالت دارد که دو منبع اصلی فهم و شناخت دین، احکام و معارف هستند.

۷. عبدالله بن مسعود

عبدالله بن مسعود، صحابی گرانقدر پیامبر صلی الله علیه و آله (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۹۸۷؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۸۰) و از مفسران بزرگ در نزد شیعه و اهل سنت، درباره أعلم بودن امیر مؤمنان علیه السلام می‌گوید:

۱. «إِنَّ أَعْلَمَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ بِالْفَرَائِضِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ؛ همانا داناترین افراد به فرایض، علی بن ابی طالب است» (ابن حنبل، ۱۴۲۵، ص ۴۰، ج ۱۱؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۰۷؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۳۵؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۵۹۶؛ زینی دحلان، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۴۵۴).

۲. «كُنَّا نَتَحَدَّثُ أَنَّ أَفْضَى أَهْلِ الْمَدِينَةِ عَلِيُّ؛ ما می‌گفتیم: همانا عالم‌ترین افراد به احکام قضاوت، علی علیه السلام است» (ذهبی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۲۷).

۳. ابن مسعود می‌گوید: «قرآن بر هفت حرف نازل شد. حرفی از آن نیست، مگر اینکه برای آن ظاهر و باطنی است و همانا علم ظاهر و باطن قرآن نزد علی بن ابی طالب است» (قندوزی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۱۵).

۴. همچنین می‌گوید: «حکمت ده جزء دارد که نه جزء آن به علی علیه السلام داده شده و برای مردم یک جزء است و علی داناترین مردم به آن یک جزء است» (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۵۶).

۸. عبدالله بن عباس

۱. ابن عباس می گوید: «وقتی که شخص مورد اعتمادی، فتوای علی علیه السلام را برای ما نقل می کند، دیگر در مورد (درستی یا نادرستی) آن بین خود بحث نمی کنیم» (سیوطی، بی تا، ص ۱۷۱؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۳۸).
 ۲. سعید بن جبیر از ابن عباس نقل می کند که گفت: «وقتی که مطلبی و امری از جانب علی بر ما اثبات شود، سخن دیگری را بر آن ترجیح نمی دهیم (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۵۹۶).
 ۳. از ابن عباس پرسیدند: «علم تو نسبت به علم پسر عمویت به چه میزان است؟ گفت: علم من و علم دیگر اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در برابر علم علی، همانند قطره ای آب در برابر اقیانوس است» (ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۲، ص ۳۰؛ زینی دحلان، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۴۵۳؛ امینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۴۴؛ اسد حیدر، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۳۵۲).
 ۴. از ابن عباس پرسیدند: «علی چگونه مردی بود؟ گفت: درون او لبریز از حکمت و علم و دلیری و شهامت بود؛ همراه با خویشاوندی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داشت (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۳۹، ح ۱۵۳؛ قاری، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۳۹۴۰).
- از سخنان ابن عباس برمی آید که رأی و فتوای امام علی علیه السلام، مقدم بر فتوای سایر صحابه و مورد قبول آنها بوده است و علم دیگر صحابه و دانشمندان در برابر مقام علمی آن حضرت، به چشم نمی آمد.

۹. مقداد بن اسود

- مقداد از اصحاب بلند مقام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۴۸۰؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۴۷۵) می گوید:

والله ما رأيتُ مثلاً ما أتى إلی أهلِ هذا البیتِ بعدَ نبیهم، وا عجباً لقریش! لقد ترکت
رجلاً ما أقولُ و لا أعلمُ رجلاً أفضی بالعدلِ و لا أعلمُ و لا أتقی منه؛
به خدا قسم! من ندیده‌ام همانند مصائبی که بر سر این اهل بیت، بعد از پیامبرشان آمد.
تعجب می کنم از قریش؛ چرا که شخصی را رها کردند که من عادل تر و داناتر از او

نمی شناسم (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۹۴؛ مرعشی نجفی، ۱۴۱۷، ج ۳۱، ص ۴۴۴ به نقل از تاریخ احمدی، ص ۱۴۷).

۱۰. سعد بن ابی وقاص

قیس بن ابی حازم از سعد بن ابی وقاص نقل می کند که او در برابر کسی که به حضرت علی علیه السلام دشنام می داد، گفت: «ای مرد، آیا به علی بن ابی طالب دشنام می دهی؟! آیا او نخستین کسی نبود که اسلام آورد؟! آیا او نخستین کسی نبود که همراه با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز خواند؟! آیا او زاهدترین مردم نبود؟! آیا او داناترین مردم نبود؟!»^۳

سخن سعد بن ابی وقاص آشکارا دلالت دارد در اینکه علی علیه السلام عالم ترین مردم پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است.

۱۱. ابوامامه و أعلم بودن امیر مؤمنان علیه السلام

ابوامامه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود: «أَعْلَمُ أُمَّتِي بِالسُّنَّةِ وَالْقَضَاءِ بَعْدِي عَلِيٌّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ؛ داناترین فرد امت من به سنت و قضاوت بعد از من، علی بن ابی طالب است» (گنجی شافعی، ۱۴۰۴، ص ۸۰؛ ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۲، ص ۳۳؛ قاری، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۳۹۴۰).

۱۲. فضائل امام علی علیه السلام از زبان معاویه

معاویه سرسخت ترین دشمن امام علی علیه السلام و کسی است که دشمنام گویی بر حضرت را بر فراز منبرها برای کارگزاران خود واجب کرد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۳، ص ۲۲۰-۲۲۲)؛

با این حال در موارد مختلفی به جایگاه علمی آن حضرت اعتراف کرده و یا پاسخ پرسش های علمی دیگران را به ایشان ارجاع داده است که در ادامه به چند نمونه از آنها اشاره می شود.

۱. زمانی که خبر شهادت آن حضرت به معاویه رسید، گفت: «لَقَدْ ذَهَبَ الْفِقْهُ وَالْعِلْمُ بِمَوْتِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ با مرگ پسر ابوطالب، فقه و علم از بین رفت» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۰۹؛ زینی دحلان، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۴۵۳؛ امینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۸۱).

۲. مردی از معاویه پرسشی کرد؛ وی در پاسخ گفت:

این سؤال را از علی ابن ابی طالب پرس که او داناتر است. پرسش کننده گفت: پاسخ شما برای من دوست داشتنی تر از پاسخ علی است. معاویه گفت: چقدر بد گفتی! و چه سخن زشتی بر زبان راندی! پرسیدن از کسی را ناپسند می داری که رسول خدا ﷺ، او را در علم و دانش بر دیگران مقدم می داشت؛ و زمانی که مسئله ای بر عمر سخت می شد، از او کمک می گرفت. روزی در نزد عمر بودم که مسئله ای برای او پیش آمده بود و سراغ علی را می گرفت و می گفت: علی کجاست؟ (ابن عساکر، ۱۴۱۷، ج ۴۲، ص ۱۷۰؛ ابن حنبل، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۶۷۵، ح ۱۱۵۳؛ طبری، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۴۲؛ همو، ۱۳۵۶، ص ۷۹).

۳. قضاوت بر اساس قضاوت علی علیه السلام؛ حجار بن ابجر می گوید:

نزد معاویه بودم. دو نفر به خاطر حل نزاع بر سر لباسی نزد او آمدند. معاویه گفت: ای کاش (برای حل نزاع) علی بود. گفتم: من قضاوت علی را در چنین اختلافی دیده ام. معاویه گفت: چگونه حکم کرد؟ گفتم: لباس را به کسی می داد که دلیل اقامه می کرد. پس معاویه طبق آنچه من گفتم قضاوت کرد (ابن عساکر، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۲۰۶).

۱۳. عطاء بن ابی رباح

ابن حبان، عطاء را در شمار ثقات آورده و گفته است: «او در فقه، علم، تقوا و فضل از بزرگان تابعان است» (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵، ج ۵، ص ۵۷۰).

یحیی بن معین، به سند خود نقل می کند: «از عطاء سؤال شد که آیا در میان اصحاب رسول خدا ﷺ کسی را أعلم از علی علیه السلام می شناسی؟ پاسخ داد: سوگند به خدا که چنین شخصی را نمی شناسم».^۴

همچنین عطاء - از ناقلان حدیث امامان - از ابن عباس و او از رسول خدا ﷺ نقل می کند که فرمود: «ستارگان وسیله ایمنی برای اهل زمین از غرق شدن هستند و اهل بیت من، وسیله ایمنی برای امت من از اختلاف اند. پس هرگاه قبیله ای از عرب با آنها مخالفت کند بین خود آنها اختلاف افتاده و حزب ابلیس خواهند شد».^۵

۱۴. عکرمه

عکرمه، غلام و شاگرد ابن عباس، از استادش و او از امام علی علیه السلام نقل می کند که فرمود: «سوگند به خدا! من برادر، دوست دار و پسرعموی پیامبر و وارث علم او هستم. پس چه کسی به او سزاوارتر از من است؟» (حاکم، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۳۶).^۶

اینها مجموع سخنان برخی از صحابه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و تابعان آنها (چه کسانی که با علی علیه السلام دشمن و مخالف بودند، مانند معاویه و سعد بن ابی وقاص و چه موافقان با حضرت، مانند سلمان و مقداد) درباره «أعلم بودن امام علی علیه السلام» در احکام قضاوت و آشنایی به سنت نبوی صلی الله علیه و آله است. با این حال رجوع و استناد آنها به سخنان و روش امام (مانند مراجعات عمر و ارجاع دادن برخی از پرسش کنندگان به امام توسط معاویه در قضاوتها و احکام دینی) نشان می دهد که با وجود مخالفت های سیاسی آنها با امام، سخنان علمی و احکام صادره از جانب حضرت را قبول داشتند؛ و این چیزی جز پذیرش مرجعیت علمی آن حضرت نیست.

گفتار دوم - مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام نزد محدثان غیر امامیه در قرن دوم در قرن دوم هجری درباره برتری علمی اهل بیت علیهم السلام، سخنان و احادیثی به واسطه محدثان موثق و معتبر نزد اهل سنت نقل شده است و یا اینکه در نظریه های علمی خود به آنها تمسک کرده اند. شمار زیادی از محدثان این قرن (غیر از محدثان شیعه که مرجعیت علمی اهل بیت نزد آنها مسلم است) به سخنان، فتاوا و سیره ائمه علیهم السلام عمل کرده اند.

۱. زید بن علی

زید بن علی (م ۱۲۱ق)، عالم، فقیه و محدث بوده (خزاز قمی، ۱۴۳۰، ص ۴۲۳؛ سبحانی، ۱۳۲۷، ص ۲۲۴) و با عالمان روزگار خود ارتباط علمی داشته است. واصل بن عطاء و ابوحنیفه از جمله شاگردان او هستند؛ به گونه ای که ابوحنیفه علاقه خاصی به او داشته است (ابوزهره، بی تا ب، ص ۴۱).

ابن حبان نام او را در *الثقات* آورده و می گوید: «برخی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیده است» (ابن حبان، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۲۴۹-۲۵۰).

صاحب تهنیدب الکمال نیز ۴۱ تن از محدثان را نام می‌برد که از زیدبن علی نقل روایت کرده‌اند که از جمله آنها دو فرزندش حسین و عیسی، شعبه‌بن حجاج، ابن شهاب زهری و امام صادق علیه السلام هستند» (مزی، ۱۴۰۹، ج ۱۰، ص ۹۵-۹۷).

زید پیرو ائمه اطهار علیهم السلام بود و با اینکه امام صادق علیه السلام، برادرزاده او بود ولی خود را بر او مقدم نمی‌داشت و مردم را در مسائل علمی به حضرت ارجاع می‌داد. از جناب زید نقل شده است که گفت: «مَنْ أَرَادَ الْجِهَادَ فِإِلَىٰ وَ مَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فِإِلَىٰ إِبْنِ أَخِي جَعْفَرٍ؛ هر کس قصد جهاد دارد، به سوی من بیاید و هر کس قصد (فراگیری) علم دارد، به برادرزاده‌ام جعفر رجوع کند» (خزاز قمی، ۱۴۳۰، ص ۴۲۴).

عبدالله بن علا نیز می‌گوید:

قلت لزید بن علی فأنت صاحب الأمر؟ قال: لا ولكنني من العترة، فإلى من تأمرونا؟ قال: عليك بصاحب الشعر، وأشار إلى جعفر بن محمد علیه السلام؛ از زید بن علی پرسیدم: تو امام هستی؟ گفت: خیر ولی من از اهل بیت هستم. گفتم: پس ما را به چه کسی ارجاع می‌دهید؟ پاسخ داد: چنگ بزن به دامن آنکه موی بلند دارد، و اشاره به امام صادق علیه السلام کرد» (خزاز قمی، ۱۴۳۰، ص ۴۲۸).

زید بن علی درباره برتری علی علیه السلام بر دیگر صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌گوید: «إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَفْضَلُ الصَّحَابَةِ؛ همانا علی بن ابی طالب افضل صحابه است» (شهرستانی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۲۵۰).

۲. ابن شهاب زهری

ابن شهاب زهری (م ۱۲۴ق) از فقیهان و محدثان اهل سنت است که توفیق شاگردی امام سجاد علیه السلام را داشت و از ایشان فقه و حدیث آموخته است. وی در این باره می‌گوید: «كانت أكثر مجالستي لعلی بن الحسين؛ بیشتر شاگردی من نزد علی بن حسین بوده است» (ابن عساکر، ۱۴۱۷، ج ۴۱، ص ۳۷۱؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵، ج ۷، ص ۳۰۵؛ ابوزهره، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۸).

او درباره أعلم بودن امام سجاد علیه السلام گفته است: «ما رأيت أفقه من علی بن الحسين؛ من کسی فقیه‌تر از علی بن حسین ندیدم» (ذهبی، بی تا، ج ۱، ص ۷۵).

۳. یحیی بن زید بن علی

یحیی فرزند زید بن علی، از محدثان قرن دوم (ابن داود، ۱۳۴۲، ص ۳۷۴) و یکی از راویان اصلی کتاب شریف صحیفه سجادیه است که متوکل بن عمیر، آن را از او دریافت کرده است (خزاز قمی، ۱۴۳۰، ص ۳۰۹؛ میرداماد، ۱۳۱۱، ص ۹۹).

زیدیه پس از پدرش، امام سجاد علیه السلام، او را امام می‌دانند (بغدادی، بی تا، ص ۲۴؛ شهرستانی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۲۵۲).

وقتی متوکل بن هارون اوصاف، عبادت و شب‌زنده‌داری زید بن علی را از یحیی شنید، گفت: ای پسر رسول خدا! اینها صفات امام است. یحیی در پاسخ گفت:

یا أبا عبد الله إنَّ أباي لم يكن اماماً... إنَّ أباي عليه السلام أعقل من أن يدعى ما ليس له بحق وإنَّما قال: أدعوكم إلى الرضا من آل محمد، عنى بذلك عمي (ابن عمي) جعفرأ، قلت: فهو اليوم صاحب هذا الأمر، قال: نعم، هم أئمة بني هاشم؛

ای ابا عبد الله! پدرم (زید) امام نبود و عالم‌تر از این بود که چیزی را که ندارد و حق او نیست ادعا کند، بلکه می‌فرمود: من شما را به برگزیده شده از آل محمد دعوت می‌کنم و مقصودش پسر عموم جعفر (امام صادق علیه السلام) بود. متوکل بن هارون می‌پرسد: صاحب این امر (امامت) جعفر صادق است؟ یحیی پاسخ می‌دهد: بله! او فقیه‌ترین شخص در بنی هاشم است (خزاز قمی، ۱۴۳۰، ص ۴۲۶).

۴. سفیان ثوری

سفیان بن سعید بن مسروق ثوری، از فقیهان و محدثان بزرگ مورد اعتماد در نزد اهل سنت است که از شاگردان امام صادق علیه السلام بود (ذهبی، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۶؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵، ج ۲، ص ۱۰۳؛ ابوزهره، بی تا، ج ۱، ص ۲۲).

سفیان ثوری از ناقلان حدیث باب مدینه علم است (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۹۷؛ ابن مغزلی، ۱۴۰۲، ص ۸۰) که بر مرجعیت علمی آن حضرت دلالت دارد.

همچنین سفیان ثوری در حدیثی با سلسله سند خود از حدیثه و او از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که فرمود:

إن تستخلفوا علیا و ما أراکم فاعلین تجدوه هادیا مهدیا یحکم علی المحجة البیضاء؛ اگر بعد از من علی را به عنوان خلیفه بپذیرید که نخواهید پذیرفت، او را هدایت کننده و هدایت شده خواهید یافت که براساس روش و راه راست و روشن حکم می کند»^۷.

۵. ابوحنیفه نعمان بن ثابت

ابوحنیفه نعمان بن ثابت (م ۱۵۰ق) از شاگردان امام صادق علیه السلام بوده است. ابن حجر می گوید: «شعبه، سفیان ثوری و سفیان بن عیینه، مالک بن انس، ابن جریح و ابوحنیفه از جعفر بن محمد روایت نقل کرده اند» (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵، ج ۲، ص ۱۰۳).

ذهبی نیز می آورد: «ابوحنیفه حدث عن عطاء و نافع... و ابي جعفر محمد بن علی» (ذهبی، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۸).

این سخنان نشان می دهد که امام صادق و باقر علیه السلام از مشایخ ابوحنیفه بوده اند. در کتاب الآثار ابویوسف و کتاب الآثار محمد بن حسن شیبانی، دو شاگرد برجسته ابوحنیفه که روایات معتبر او را در این دو کتاب گرد آورده اند، روایات زیادی از امام علی، امام باقر و امام صادق علیه السلام وجود دارد؛ از جمله ابویوسف در این کتاب حدیثی درباره مناسک حج و کفاره نزدیکی با همسر در حین احرام با این سند روایت کرده است: «یوسف عن ابيه عن ابي حنيفة عن جعفر بن محمد عن سعيد بن جبیر عن ابي عمر» (ابویوسف، ۱۳۵۵، ص ۱۲۴-۱۲۵).

همچنین در حدیثی به سند خود از امام باقر علیه السلام، کیفیت نماز شب رسول خدا صلی الله علیه و آله را نقل کرده است: «یوسف عن ابيه عن ابي حنيفة عن ابي جعفر محمد بن علی عن النبی صلی الله علیه و آله» (همان، ص ۳۴).

البته ابوحنیفه نیز با دو واسطه، احادیث زیادی از امام علی علیه السلام نقل کرده است. درباره مسائل مختلف فقهی به فرمایشات آن حضرت استناد جسته است؛ از جمله حدیث شماره ۶۰۶، ۶۰۹ و ۶۳۲ از «طریق ابوحنیفه عن حماد عن ابراهیم عن علی» (همان، ص ۱۳۰-۱۳۱). محمد بن حسن شیبانی، دیگر شاگرد ابوحنیفه است که احادیث او را در کتاب الآثار خود گرد آورده و احادیث زیادی از امام علی، امام سجاد و امام باقر علیه السلام نقل کرده است؛ از

جمله حدیث شماره ۴۸۲، ۵۵۶، ۵۷۶، ۶۱۲، ۶۱۷، ۶۲۸، ۶۳۴ و ۶۷۷ که از این میان، تنها به نقل یک حدیث بسنده می‌کنیم.

«محمد (شیبانی) عن ابوحنیفه عن بشر أو بشیر عن ابوجعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام که فرمود: علی بن ابی طالب ضامن آرایشگران، زرگران و خیاطان نمی‌شد» (شیبانی، ۱۴۲۹، ص ۶۶۱، ح ۷۷۸).

ابوحنیفه می‌گوید: «ما رأیتُ أفقه من جعفر بن محمد؛ فقیه‌تر از جعفر بن محمد ندیدیم» (ذهبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۷).

۶. شافعی و تمسک به سیره امیر مؤمنان علیه السلام

محمد بن ادریس شافعی (م ۲۰۴ ق) شاگرد مالک بن انس (ذهبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۶۱) که او هم از شاگردان امام صادق علیه السلام بوده است.

شافعی در استنباط پاره‌ای از احکام فقهی به روش امام علی علیه السلام عمل می‌کرد.

ابوزهره آورده است:

شافعی عشق و علاقه خود را به علی (رضی الله عنه) آشکارا اعلام می‌کرد و دشمنان آن حضرت را از بُغات می‌دانست و در استنباط احکام بُغات، براساس آنچه علی (رضی الله عنه) با شورشیان علیه خود عمل کرده بود و کسانی که از حکم حضرت سرپیچی کرده بودند، فتوا می‌داد (ابوزهره، بی‌تا الف، ص ۵۵؛ همو ۱۳۶۷ ق، ص ۱۲۲).

درباره آن حضرت می‌گفت:

علی (کرم الله وجهه) داناترین افراد به علم قرآن و فقه بود؛ چون رسول خدا صلی الله علیه و آله او را نزد خود خواند و دستور داد تا در میان مردم قضاوت کند و قضاوت‌هایش به رسول خدا صلی الله علیه و آله گزارش می‌شد و آنها را مورد تأیید قرار می‌داد (ابوزهره، ۱۳۶۷، ص ۱۲۲).

گفتار سوم - مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام نزد محدثان غیر امامیه در قرن سوم

۱. عبدالرزاق

عبدالرزاق بن همام صنعانی (م ۲۱۱ ق)، از محدثان معتبر و ثقه در میان اهل سنت است و توثیقات زیادی در کتاب‌های رجال اهل سنت برای او نقل شده است؛^۸

عبدالرزاق درباره منزلت علمی امام علی علیه السلام از نعمان بن ابی شیبه و او از سفیان ثوری، به سلسله سند خود این حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را روایت کرده‌اند که فرمود: «وإن ولیتموها علیا یقیمکم علی طریق مستقیم؛ و اگر علی را پیشوای خود قرار دهید، شما را در راه راست پیش می‌برد» (ابن عساکر، ۱۴۱۷، ج ۴۴، ص ۲۳۵ و ج ۴۲، ص ۴۲۰؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۶۳۱؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۶۱؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۸۲).

عبدالرزاق از روایان حدیث مدینه علم است که دلالت آشکاری بر مرجعیت علمی امام علی علیه السلام دارد و سند این حدیث به صحابی بزرگوار، جابر بن عبدالله انصاری می‌رسد (حاکم، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۲۷).

همچنین او از روایان حدیث زیر است که به روشنی بر أعلم بودن امام علی علیه السلام دلالت دارد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به صدیقه کبری می‌فرماید:

أَوْ مَا تَرْضِينَ أَنِّي زَوْجَتُكَ أَقْدَمَ أُمَّتِي سِلْمًا، وَأَكْثَرَهُمْ عِلْمًا، وَأَعْظَمَهُمْ حِلْمًا؛ (یا فاطمه) آیا خشنود نمی‌شوی از اینکه من تو را به ازدواج کسی در آوردم که نخستین فرد امت من بود که اسلام آورد، علم او از همه آنها بیشتر و حلم‌اش بالاتر است (عبدالرزاق، بی‌تا، ج ۵، ص ۴۹۰؛ ابن حنبل، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۲۸۸؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۶۰۵؛ طبرانی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۸۰).

و حدیث أعلم بودن امام علی علیه السلام در علم قضاوت را در المصنف خود نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «أَقْضَاهُمْ عَلِيٌّ؛ عالم‌ترین شما (صحابه) به علم قضاوت، علی است» (عبدالرزاق، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۲۲۵).

ملاعلی قاری در توضیح این حدیث می‌فرماید: «أَيُّ أَعْلَمَهُمْ بِأَحْكَامِ الشَّرْعِ؛ داناترین آنها به احکام شریعت است» (قاری، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۳۹۵۴).

این توضیح ملاعلی قاری نشان می‌دهد، کسی که در علم قضاوت از دیگران داناتر باشد در سایر علوم مربوط به شریعت نیز از دیگران أعلم خواهد بود.

۲. احمد بن حنبل

احمد بن حنبل (م ۲۴۱ ق)، از مشایخ بخاری، مسلم، ابوداود و ابوزرعه است (ذهبی، بی تا، ج ۲، ص ۴۳۱؛ ابن حجر، ۱۳۲۵، ج ۱، ص ۱۷۲).

احادیث مربوط به مرجعیت علمی اهل بیت و أعلم بودن آنها، در کتاب *المسند* ابن حنبل به طرق مختلف روایت شده است؛ از جمله:

حدیث ثقلین را به سه طریق مختلف بیان کرده است (ابن حنبل، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۵۴ و ج ۳، ص ۲۶، و ج ۵، ص ۴۹۲، و ج ۵، ص ۱۰۰).

همچنین حدیث باب مدینه علم النبی را در کتاب مناقب خود نقل کرده است (همو، ۱۴۲۵، ص ۱۴۰؛ امینی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۸۸).

احمد بن حنبل حدیثی نقل می‌کند که دلالت صریح بر أعلم بودن امام علی علیه السلام بر دیگر صحابه دارد، و آن حدیثی است که نافع بن بزاز از معقل بن یسار نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به دختر خود فرمود:

أو ما ترضین أني زوجتك أقدم أمتي سلماً، و أكثرهم علماً، و أعظمهم حِلماً؛ آیا خشنود نیستی از اینکه تو را به همسری کسی برگزیدم که نخستین فرد امت من در پذیرش اسلام است و علم‌اش از همه آنها بیشتر است و بالاترین آنها در بردباری است (ابن حنبل، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۲۸۸؛ طبری، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۴۱؛ همو، ۱۳۵۶، ص ۷۸؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۴۶۴؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۳؛ قاری، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۳۹۴؛ رواس قلعه‌چی، ۱۴۰۳، ص ۵).

از احمد بن حنبل نقل شده است که بارها می‌گفت: «برای هیچ کدام از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به اندازه‌ای که برای علی بن ابی طالب علیه السلام فضائل صحیح و قطعی نقل شده، فضیلت نقل نشده است» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۹؛ فیروزآبادی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۱۶۷).

۳. مسلم بن حجاج نیشابوری

مسلم بن حجاج نیشابوری (م ۲۶۱ ق) صاحب یکی از دو کتابی است که پس از قرآن در نزد عالمان اهل سنت صحیح‌ترین کتاب‌ها هستند و روایات آنها مورد قبول است. از جمله روایاتی که مسلم در صحیح خود نقل کرده، حدیث ثقلین است که در کتاب فضائل الصحابة، باب فضائل علی بن ابی طالب، این حدیث را به سه طریق نقل کرده است؛ حدیثی که دلالت بر مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام بعد از وفات پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دارد (مسلم، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۱۲۳).

۴. محمد بن عیسی ترمذی

ترمذی (م ۲۷۹ ق) صاحب سنن که از جمله صحاح سته نزد اهل سنت است، از ناقلان حدیث ثقلین (ترمذی، ۱۳۵۹ ق، ص ۱۰۷۹) و مدینه علم النبی با تعبیر «أنا دارالحکمة و علی بابها؛ من خانه حکمت‌ام و علی هم دروازه آن است. (ترمذی، ۱۳۵۹، ص ۱۰۶۴).

۵. عبدالله بن احمد بن حنبل

عبدالله بن احمد بن حنبل (م ۲۹۰ ق) که به گواهی پدرش، از علم حدیث بهره‌مند بود و چیزی را که نمی‌دانست و به آن علم نداشت، نمی‌گفت (ذهبی، بی تا، ج ۲، ص ۶۶۶). عبدالله بن حنبل حدیث ثقلین را به سه طریق که به زید بن ارقم و ابوسعید خُدَری می‌رسد، نقل کرده است (ابن حنبل، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۴۳ و ج ۵، ص ۹۰ و ۴۹۲). همچنین حدیث زیر را از پدرش نقل کرده است که دلالت روشنی بر برتری علمی امام علی علیه‌السلام در میان امت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دارد؛ آنجا که می‌نویسد:

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خطاب به دخترشان فرمود: *أَوْ مَا تَرْضِينَ أَنْ زَوَّجْتُكَ أَقْدَمَهُمْ سِلْمًا وَ أَكْثَرَهُمْ عِلْمًا وَ أَعْظَمَهُمْ حِلْمًا؛ آیا خشنود نمی‌شوی از اینکه تو را به ازدواج کسی در آوردم که نخستین اصحاب من در پذیرش اسلام است و علم‌اش بیش از همه آنها است و بالاترین آنها در حلم و بردباری است (ابن حنبل، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۶۶۲؛ عبدالرزاق، بی تا، ج ۵، ص ۴۹۰؛ طبری، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۴۱؛ ذهبی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۲۰؛ قاری، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۳۹۴؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ص ۶۰۵).*

نتیجه

با توجه به حجیت داشتن و سند بودن سخنان اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در نزد عالمان اهل سنت، سخنان آنها در أعلم بودن «امام علی علیه السلام» صراحت دارد؛ باین حال برخی از آنها، مانند ابوذر غفاری بر وراثت علمی اهل بیت علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله تصریح کرده‌اند. البته حدیث ثقلین را که دلالت بر مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام دارد، بیش از بیست تن از صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند (ابن حجر هیتمی، ۱۳۱۲، ص ۸۹).

در قرن دوم و سوم نیز عالمان، دانشمندان و محدثان بزرگ مسلمان از فرقه‌ها و مذاهب مختلف برای یادگیری علوم دینی به محضر ائمه اهل بیت علیهم السلام شرفیاب می شدند و باین حال که آنها را عالم‌ترین افراد می دانستند، احادیث آن بزرگواران را نقل می کردند؛ مانند ابوحنیفه و زهری؛ و یا اینکه در استنباطات فقهی خود به سیره اهل بیت علیهم السلام عمل می کردند؛ مانند شافعی در احکام بغات که به سیره امام علی علیه السلام عمل می کرد.

زیدبن علی که در میان شیعه و اهل سنت، دارای مقام و جایگاه علمی و شخصیت وارسته‌ای است، و از محدثان والامقام نزد فریقین است، نه تنها ادعای امامت نداشت، بلکه افرادی را که به ایشان رجوع می کردند، به امام صادق علیه السلام ارجاع می دادند و فرزندش، یحیای شهید، نیز به همین شیوه عمل می کرد.

با توجه به دیدگاه محدثان برجسته در سه قرن نخست اسلامی، به‌ویژه صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله که سیره و روش آنها برای بیشتر مذاهب اسلامی حجت است، بهترین مرجع در علوم دینی، امام علی علیه السلام و پس از ایشان سایر اهل بیت علیهم السلام هستند؛ زیرا عالم‌ترین و فقیه‌ترین افراد زمان خود بوده‌اند.

پی نوشت‌ها

۱. همچنین سفیان ثوری با سند خود از عایشه روایت کرده است که گفت: «او (امام علی) داناترین شخص به سنت (نبوی) است که باقی مانده است» (ذهبی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۲۸؛ شیرازی شافعی، بی تا، ص ۴۲).
 ۲. «وَعَلَىٰ بَنِي أَبِي طَالِبٍ وَصِيٌّ مُحَمَّدٌ وَوَارِثٌ عَلَيْهِ، أَيُّهَا الْأُمَّةُ الْمُتَحَيَّرَةُ بَعْدَ نَبِيِّهَا! أَمَا لَوْ قَدَّمْتُمْ مَنْ قَدَّمَ اللَّهُ وَآخَرْتُمْ مَنْ آخَرَ اللَّهُ وَآقَرْتُمْ الْوَلَايَةَ وَالْوَرَاةَ فِي أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ لَأَكَلْتُمْ مِنْ فَوْقِ رُؤُوسِكُمْ وَمِنْ تَحْتِ أَقْدَامِكُمْ وَكَمَا عَالَ وَلِيُّ اللَّهِ وَكَأَطَّاشَ سَهْمٍ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ وَكَأَخْتَلَفَ إِنْتَانِ فِي حُكْمِ اللَّهِ إِلَّا وَجَدْتُمْ عِلْمَ ذَلِكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ فَأَمَّا فَعَلْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ فَذُفُّوا وَبَالَ أَمْرِكُمْ».
 ۳. «يا هذا ماتشتم علی بن ابی طالب، ألم یکن أوّل من أسلم؟ ألم یکن أوّل من صلی مع رسول الله ﷺ؟ ألم یکن أزهّد الناس؟ ألم یکن أعلم الناس؟» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۵۷۱-۵۷۲).
 ۴. «قیل لعطاء أكان في أصحاب محمد أحداً أعلم من علی؟ قال: لا والله ما أعلمه» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۵۰؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۱۰۴؛ ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۲، ص ۳۰؛ شیرازی شافعی، بی تا، ص ۲۳؛ زینی دحلان، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۳).
 ۵. عن عطاء عن ابن عباس رضی الله عنهما قال: قال رسول الله ﷺ: النجوم أمان لأهل الأرض من الغرق وأهل بيتی أمان لأمتی من الأختلاف فإذا خالفتها قبيلة من العرب إختلفوا فصاروا حزب إبليس (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۶۲؛ ابن حجر هيثمی، ۱۳۱۲، ص ۱۴۰).
 ۶. «والله لإني لأخوه ووليّه و أبن عمّه و وارث علمه فمن أحقّ به مني».
 ۷. إن وليتموها عليا يقيمكم على طريق مستقيم (ابونعیم، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۹۷؛ ابن عساکر، ۱۴۱۷، ج ۴۴، ص ۲۳۵ و ج ۴۲، ص ۴۲۰). و إن تولوها عليا تجدوه هاديا مهديا يسلك بكم الطريق (ابن عساکر، ۱۴۱۷، ج ۴۴، ص ۲۳۶ و ج ۴۲، ص ۴۲۱). و إن وليتموها وجدتموه هاديا مهديا يسلك بكم على الطريق المستقيم (همان، ج ۴۲، ص ۴۱۹). البته با این تعبیر نیز نقل شده است: «و إن تؤمروا عليا و لا دراکم فاعلین تجدوه هاديا مهديا يسلك بكم الطريق المستقيم» (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۶۱؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۶۳۱).
 ۷. از جمله گفته‌اند:
- الف) محمد بن اسماعیل فزازی از ابن معین نقل می‌کند: «فقال: يا اباصالح لو ارتد عبدالرزاق ما تركنا حديثه؛ اگر عبدالرزاق مرتد هم شود، ما نقل احادیث او را رها نمی‌کنیم» (ابن حجر، ۱۳۲۵ق، ج ۶، ص ۳۱۴).
- ب) ابن حبان او را در کتاب الثقات خود آورده و در توثیق او گفته است: «و كان عبدالرزاق ممن جمع و صنف و حفظ و ذاكر؛ عبدالرزاق از کسانی بود که حدیث جمع کرد و آنها را نوشت و حفظ و یادآوری کرد» (ابن حبان، ۱۳۹۸ق، ج ۸، ص ۴۱۲).

منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، ۱۴۰۴، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲. ابن اثیر، عزالدین، ۱۴۰۹، اسد الغابة، بیروت، دار الفکر.
۳. ابن جوزی، سبط، ۱۴۲۷، تذکرة الخواص، قم، ذوی القربی.
۴. ابن حبان، ابوحاتم محمد بن حبان خراسانی، ۱۳۹۸ق، کتاب الثقات، هند، دائرة المعارف العثمانیه.
۵. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، ۱۳۲۵ق، تهذیب التهذیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۶. —، ۱۴۱۵، الأصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۷. ابن حجر هیتمی، احمد بن بدرالدین مکی، ۱۳۱۲ق، الصواعق المحرقة، مصر، چاپ میمنیه.
۸. ابن حنبل، احمد بن محمد شیبانی، ۱۴۱۴، المسند، چاپ دوم، بیروت، دار الفکر.
۹. —، ۱۴۲۵، فضائل اهل البيت من کتاب فضائل الصحابه، تحقیق: محمد کاظم محمودی، تهران، انتشارات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۱۰. ابن داود، حسن بن علی بن داود حلی، ۱۳۴۲، الرجال، محقق: محمدصادق بحر العلوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. ابن سعد، محمد بن سعد بصری، ۱۴۱۰، الطبقات الكبرى، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی سروی مازندرانی، بی تا، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، انتشارات علامه.
۱۳. ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله قرطبی، ۱۴۱۵، الاستیعاب فی معرفة الصحابه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۴. ابن عساکر، علی بن حسن شافعی، ۱۴۱۷، تاریخ مدینة دمشق، بیروت، دار الفکر.
۱۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر دمشقی، ۱۴۰۷، البداية و النهایة، بیروت، دار الفکر.
۱۶. ابن مغازلی، علی بن محمد بن محمد واسطی شافعی، ۱۴۰۲، مناقب علی بن ابی طالب، چاپ دوم، تهران، المکتبه الاسلامیه.
۱۷. ابونعیم، احمد بن عبدالله اصفهانی، ۱۴۲۱، حلیة الاولیاء، تهران، دار احیاء التراث العربی.
۱۸. ابوزهره، محمد، ۱۳۶۷ق، الامام شافعی: حیات و عصره، آرائه و فقهه، چاپ دوم، قاهره، دار الفکر العربی.
۱۹. —، بی تا الف، الامام مالک: حیات و عصره، آرائه و فقهه، چاپ دوم، قاهره، دار الفکر العربی.
۲۰. —، بی تا ب، تاریخ المذاهب الاسلامیه، قاهره، دار الفکر العربی.
۲۱. —، بی تا ج، الامام الصادق: حیات و عصره، آرائه و فقهه، قاهره، دار الفکر العربی.
۲۲. ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم انصاری، ۱۳۵۵ق، کتاب الآثار، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۲۳. اسد حیدر، ۱۴۲۵، الامام الصادق و المذاهب الاربعة، تحقیق: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، قم، انتشارات مجمع جهانی اهل بیت.
۲۴. امینی، عبدالحسین، ۱۳۸۵، موسوعة الغدير فی کتاب و السنة و الأدب، تحقیق: مرکز الغدير للدراسات الاسلامية، چاپ چهارم، قم، مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی.
۲۵. بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر اسفرائینی تمیمی، بی تا، الفرق بین الفرق، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۲۶. ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۳۵۹ق، سنن، تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۲۷. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، ۱۴۱۱، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۲۸. حسکانی، عبیدالله بن احمد، ۱۴۱۱، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق: محمدباقر محمودی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۹. حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ۱۳۸۵، ینایع المودة، چاپ هشتم، قم، دارالکتب العراقیة.
۳۰. خزاز قمی، ابوالقاسم علی بن محمد رازی، ۱۴۳۰، کفاية الأثر، قم، انتشارات دلیل ما.
۳۱. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، بی تا، تاریخ بغداد، بیروت، دار الکتب العربی.
۳۲. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، بی تا، تذکرة الحفاظ، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۳. —، ۱۴۱۷، سیر اعلام النبلاء، بیروت، دار الفکر.
۳۴. —، ۱۳۸۲ق، میزان الاعتدال، تحقیق: علی محمد بجاوی، دار احیاء الکتب العربیة.
۳۵. رواس قلعه چی، محمد، ۱۴۰۳، موسوعه فقه علی بن ابی طالب (ع)، دمشق، دار الفکر.
۳۶. زینی دحلان، سید احمد، ۱۳۸۷ق، الفتوحات الاسلامیة بعد مضي الفتوحات الاسلامیة، قاهره، مؤسسه الحلبي و شرکاء.
۳۷. سبحانی، جعفر، ۱۳۲۷، المذاهب الاسلامیة، چاپ دوم، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
۳۸. سهمی، ابوقاسم حمزة بن یوسف، ۱۳۸۷ق، تاریخ جرجان، چاپ دوم، حیدرآباد (هند)، بی تا.
۳۹. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، بی تا، تاریخ الخلفاء، تحقیق: محمد محی الدین عبدالحمید، مصر.
۴۰. شرقاوی، عبدالرحمان، بی تا، علی امام المتقین (ع)، قاهره، مکتبه غریب.
۴۱. شوشتری، قاضی نورالله، ۱۴۰۹، احقاق الحق و ازهاق الباطل، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۴۲. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، ۱۳۶۸ق، الملل و النحل، تحقیق: احمد فهمی محمد، بیروت، دارالسرور.
۴۳. شیبانی، محمد بن الحسن، ۱۴۲۹، کتاب الآثار، تحقیق: خالد العواد، دمشق، دارالنوادر.
۴۴. شیرازی شافعی، ابواسحاق ابراهیم بن علی، بی تا، طبقات الفقهاء، بیروت، دارالعلم.
۴۵. تسخیری، محمد علی، ۱۴۳۱، ماضی مرجعیة الشیعة و حاضرها، تهران، انتشارات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

۴۶. صفوت، احمد زکی، بی تا، *جمهرة خطب العرب*، بیروت، المكتبة العلمية.
۴۷. طبرانی، سلیمان بن احمد، ۱۴۳۱، *المعجم الكبير*، بیروت، مكتبة الاصلالة و التراث.
۴۸. طبری، محب الدین احمد بن عبدالله، ۱۳۷۳ق، *الریاض النضرة فی مناقب العشرة*، چاپ دوم، مكتبة اسلامية.
۴۹. —، ۱۳۵۶ق، *ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی*، قاهره، مكتبة القدسی.
۵۰. عبدالرزاق، ابوبکر بن عبدالرزاق، بی تا، *المصنف*، تحقیق: حبیب الرحمن اعظمی، بی جا، لمجلس العلمی.
۵۱. فیروزآبادی، سیدمرتضی حسنی، ۱۴۰۲، *فضائل الخمسة من الصحاح الستة*، چاپ چهارم، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
۵۲. قاری، علی بن سلطان محمد، ۱۴۲۲، *مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح*، بیروت، دار الفکر.
۵۳. گنجی شافعی، محمد بن یوسف، ۱۴۰۴، *کفاية الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام*، چاپ سوم، تهران، دار احیاء تراث اهل البیت.
۵۴. متقی هندی، حسام الدین، ۱۴۰۹، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت، مؤسسه الرسالة.
۵۵. مرعشی نجفی، شهاب الدین، ۱۴۱۷، *ملحقات احقاق الحق*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
۵۶. مزی، ابوالحجاج، ۱۴۰۹، *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*، چاپ سوم، بیروت، مؤسسه الرساله.
۵۷. مسلم، ابن حجاج نیشابوری، ۱۴۲۰، *صحیح*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۵۸. میرداماد، محمدباقر بن محمد، ۱۳۱۱ق، *الرواشح السماویة فی شرح احادیث الامامیة*، قم، دارالخلافة.
۵۹. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، بی تا، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار صادر.